

هزینه دادرسی

- ۱ - با اشاره به مواد ۷۸۱ و ۷۸۲ و ۷۸۳ و ۷۸۸ متمم قانون اصول محاکمات حقوقی - مصوب ۲۶ شهر ذی الحجہ ۱۳۲۹
- ۲ - با اشاره به اولین قانون مواعد و ودایع کہ بعد از تشکیلات جدید درع ۱ ماده مقرر شد.
- ۳ - با اشاره بقانون تسریع محاکمات مصوب مرداد ۱۳۰۹ - مندرج در صفحات ۹۰ بعد مجموعہ سال ۱۳۱۰.
- ۴ - با اشاره به اصلاح و متمم قانون تسریع محاکمات مصوب ۱۳۱۰ مندرج در صفحات ۱۸۶ الی ۱۰۲ مجموعہ سال ۱۳۱۰.
- ۵ - با اشاره به شقوق ۶ الی ۱۱ ماده ۷۶ متمم قانون تسریع.
- ۶ - با اشاره به قانون آزمایش ناشی از اختیارات کہ جایگزین باب دوم قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ذی الحجہ ۲۹ شده و تمام مواد قانون مزبور را غیر از باب ششم (سواد ۵۹۹ الی ۷۵۰ کہ هنوز ہم باعتبار خود باقی است) لغو نموده بوده و تا شهریور ۱۳۱۸ مجری بود.
- ۷ - با اشاره به مواد ۶۸۲ و ۶۸۳ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب شهریور ۱۳۱۸
- ۸ - با اشاره به بند د ماده ۶۸۳ قانون آئین دادرسی مدنی کہ هزینه فرجام را در مرتبہ دوم ببعده از یک چهار صدم با اضافه شدن هزینه یک دوایستم نموده است.
- س - مقصود قانون گذار از بند د ماده ۶۸۳ قانون آئین دادرسی مدنی کہ اخیراً با ازدیاد هزینه مجدداً بند د ماده ۶۸۳ تأیید و از یک چهار صدم به یک دوایستم ترقی کرده چیست.
- ج - جواب مسئلہ چنانچه مجموع قوانین فوق را در نظر گرفته و فلسفہ وضع هزینه دادرسی و مصرف آن را از مقدار و دخل و خرج مطالعہ نموده و بعد صورت زیر بودجه کشور را مطالعہ کرده و به بینیم (هزینه کہ در داد گستری اعم

از خرج احکام یا عشریه گرفته میشود) باید به چه تناسب باشد. البته جواب سؤال خیلی آسان و معلوم است - نظر قانونگذار از بند د ماده ۶۸۳ آنست که از هر دعوائی فقط یک دفعه در تمام مراحل هزینه گرفته میشود که قبلاً مجموع آن در تمام مراحل برای هرتومان ۳ دینار و بعد از ازدیاد هزینه ۶ دینار شد و چون ممکن است یک دعوی چندین دفعه در دیوانعالی کشور طرح شود لذا قانونگذار گفته در دفعات بعدیک چهارصدم (تومانی نیم شاهی) و بعد ضمن قانون ازدیاد هزینه یک دویستم شد. یعنی تومانی یکشاهی ویدیهی است هرگاه قانونگذار بند د ماده ۶۸۳ را که عیناً ماده ۷۸۸ قانون متمم اصول محاکمات حقوقی ذی الحججه ۱۳۲۹ است مقرر نمی داشت ، دو اشکال پیش می آمد.

اشکال اول این بود که ظاهراً دیگر در مرتبه دوم ، دادخواست فرجاسی هیچ هزینه نداشت ، برای اینکه بالاخره این پرونده تمام مراحل را سیر نموده هزینه دادرسی و حکم را داده بود. البته این فرض متناسب با عدالت اجتماعی و سود جامعه بود و شاید اگر بند د ماده ۶۸۳ نبود یا لااقل مجدداً جناب آقای دکتر باهری با اضافه نمودن هزینه بند د ماده ۶۸۳ را اصلاح ننموده و از یک چهارصدم به یک دویستم ترقی نمیدادند ، قطعاً دیوانعالی کشور برای بار دوم ، هزینه نمیخواست چون ۳ هزینه فرجاسی داده شده بود و دیوانعالی کشور خود حافظ قانون است . بدون وجود بند د ماده ۶۸۳ مطالبه هزینه مجدد را مجاز قانونی نمیدانست .

اما اشکال دوم ، ممکن بود چنانچه بند د ماده ۶۸۳ نبود یا مجدداً تأیید نمیشد. دفتر دیوانعالی کشور هر دفعه ۳ هزینه مطالبه نموده و نتیجه این میشدیک دعوی پنجاه میلیون تومان که هزینه فرجاسی آن هر دفعه یک میلیون ونیم میشود ، چنانچه ع دفعه در دیوانعالی کشور عنوان شود فقط ۶ میلیون تومان هزینه فرجاسی آن شده و با اضافه یک میلیون ونیم مرحله بدوی و پژوهشی ۷/۵ هفت میلیون ونیم گردیده و با اضافه ۵ میلیون عشریه و ۳/۵ ونیم خسارت حق الوکاله مراحل ثلاثه و ۱/۵ یک میلیون ونیم (نصف خسارت حق الوکاله مندرجه در ماده ۶ تعرفه حق الوکاله ، میشود ۱۷/۵ هفده میلیون ونیم ، و باز قطعاً دیوانعالی کشور که خود واضع قانون و ریشه تمام آنرا میداند که عوارض هیچ دعوائی قبل از ازدیاد هزینه با عشریه از ۱/۳ (یکریال و سی دینار) و بعد از ازدیاد از ۱/۶ (یکریال

و شخصت دینار) نباید تجاوز کرده و تا چه برسد باینکه $۱۷/۵$ هفده میلیون و نیم ، یعنی تومانی چهار ریال شود .

کما اینکه قبول فرضیه دوم خطر عجیبی ایجاد مینمود . و مفهوم آن این بود که دیگر کسی بداد گستری مراجعه ننماید . و اگر مراجعه کرد $۷/۵$ هفت میلیون و نیم فقط هزینه فرجاسی آن باشد . این خسارت را از چه کسی بگیرد اگر بگوییم از محکوم علیه ، طبق قانون از محکوم علیه غیر از صدای ۶ خسارت دادرسی نمیتوان گرفت و هیچ داد گاهی هم اضافه از ۶% خسارت دادرسی و یکدفعه خسارت حق الوکاله که میشود سه میلیون و نیم نمیدهد .

حتی تا قبل از اصلاح ماده ۶۹ قانون آئین دادرسی مدنی که هر کس میتواند در دعاوی مدنی و کیفری . ۱ نفر وکیل انتخاب نماید داد گاهها فقط یک خسارت حق الوکاله حکم داده و استدلال آنها هم صحیح بود ، میگفتند ما مطیع تفنن مردم نیستیم فرضاً یک نفر بخواهد . ۱ نفر وکیل گرفته و تمام موضوع دعوا را حق الوکاله بدهد و یا از باب تعطیل و تعویق و تجدید جلسات دادرسی این سیاست را اعمال کند از این جهت هم در قانون آئین دادرسی مدنی و هم در ضمن اصلاح قانون آئین دادرسی کیفری جلوی این رویه گرفته شده و مقرر گردید هیچ کس بیشتر از دو وکیل نمیتواند داشته باشد و حضور یکی از آنها کافی برای رسیدگی بوده و داد گاهها هم بیشتر از یک خسارت حق الوکاله نمیدهند و مجموع این اصول و قوانین روشن میسازد . که برای هر دعوائی بیشتر از یک دفعه خسارت دادرسی و حق الوکاله نمیتوان داد و تازه معلوم نیست که داد گاهها نسبت به خسارت دادرسی مرتبه های دوم و سوم یعنی همان یک دویستم را حکم بدهند تا چه رسد بگوئیم اصلاً قانونگذار بند د ماده ۶۸۳ را در بدو امر بدون مقصود نوشته و بعد در مقام ازدیاد هزینه بدون مقصود یک چهارصدم را به یک دویستم بنا بجهات فوق بوده اینجانب که چندی قبل در پرونده فرجاسی $۳۴۳۵/۸$ با این مسئله برخورد نموده صراحتاً ذیل اخطاریه رفع نقص که صدی $۱/۵$ (تومانی سه شاهی) مطالبه شده بود اعتراض نموده و ریاست دفتر دیوانعالی کشور اعتراض را پذیرفته و برابر بند د ماده ۶۸۳ الطاق تمبر نموده و با احاله به شعبه ۴ دیوانعالی کشور نیز با قبول دادخواست و تأیید درستی دستور رئیس دفتر ، حکم صادره را نقض فرموده و بنابراین قبول شد . منظور از بند د ماده ۶۸۳ بالحاظ قوانین که فوقاً

اشعار شده این است که (هزینه حکم دیوانعالی کشور) در مرتبه دوم و مابعد یک چهارصدم و برابر قانون اخیر یک دویستم است.

ولی بعد از اینکه مشکل حل شد، یعنی مجدد بند د ماده ۶۸۳ برخلاف سابقه فوق وقوانین اشاره شده اینطور تفسیر گردیده که اجرای بند د ماده ۶۸۳ در صورتیکه فرجامخواه در هر دو دفعه یا سه دفعه یکی باشد، هر چند این نحو تفسیر بقدری نارسا بوده که گذشته از سابقه پرونده ۱۵/۹۴۹۳۵ ضرورت توضیح ندارد، کمااینکه خود قانون جواب این تفسیر را داده و اتفاقاً قضیه معکوس است، چه :

هرگاه فرجامخواه دوم - همان فرجامخواه اول باشد که پرونده به هیئت عمومی میرود و قانونگذار برای رسیدگی هیئت عمومی از باب اجرای قانون اتحاد رویه قضائی و نظارت عالی دیوانعالی کشور اعمال میشود اصلاً هزینه قائل نشده است بلکه اتفاقاً منظور قانون گذار این است اگر مرتبه دوم تقاضای فرجام شد هزینه حکم دوم دیوانعالی کشوری یک دویستم است که قانون اخیر با ازدیاد هزینه آن را تأیید نموده است.

حالی که پاسخ سؤال را مشروحاً دادم، اقتصفا دارد با توجه به ماده ۶۸ قانون تسریع محاکمات مصوب ۲۵ آبان ماه ۱۳۱۰ و شق ۶ و ۱۱ و ۱۲ ماده ۷۶ قانون تسریع روشن است که غرض قانونگذار از بند د ماده ۶۸۳ و تأیید آن چه بوده است. اما گویانکه عبارت ماده ۶۸۲ و ۶۸۳ صراحت دارد که تمبر دادخواست در دادگاه بخش ۱ ریال و سایر دادگاهها بیست ریال و آنچه بداد خواست بدوی یا پژوهشی یا فرجاسی الصاق تمبر میشود (هزینه حکم است) که این هزینه حکم قبلاً ۴/۱ بدادخواست الصاق تمبر و میشد ۴/۳ به حکم و آن را هم از محکوم له میگرفتند، بعد از انحلال و تشکیلات جدید وزیر دادگستری طبق قانون اختیارات قانون ودايع و مواعد را تصویب نموده که قانون مزبور متضمن سه رکن بود .

اول مواعد وخواهی و پژوهشی و فرجاسی که ۸ روز و ۲۱ روز و ۳۰

روز بود لغو و تمام مواعد ده روزه شد.

دوم پرداخت ۴٪ ودیعه در مرحله پژوهشی و ۵٪ ودیعه در مرحله فرجام لغو شد.

سوم - ماده ۷۸۳ و ۷۸۵ قانون متمم اصول محاکمات مصوب ذی الحجه ۱۳۲۹ که مقرر بود ۱/۴ هزینه حکم بدادخواست بدوی و پژوهشی و فرجامی الصاق و ۳/۴ بعد از صدور حکم از محکوم له اخذ و به حکم الصاق تمبر شود فسخ گردیده و مقرر شده تمام هزینه حکم مراحل ثلاثه بدادخواست الصاق تمبر شود در نتیجه ماده ۷۸۸ قانون ذی الحجه ۱۳۲۹ که کپی به بند د ماده ۶۸۳ بود باعتبار خود باقی مانده نهایت تومانی نیم شاهی به حکم دوم دیوانعالی کشور الصاق تمبر گردیده چه بموجب ماده ۷۸۷ دیگر موقع تقدیم دادخواست فرجام دوم نه ودیعه ۵٪ اصلاحی شد و نه هزینه اعم از اینکه حکم دوم دادگاه استان متابعت از حکم اول دیوانعالی کشور بود یا مخالف حکم دیوانعالی کشور.

بعد از قانون ودایع قانون آزمایش و بعد قوانین تسریع مصوب مرداد ۱۳۰۹ و آبان ماه ۱۳۳۰ تصویب گردیده که نیز با نسخ قانون ودایع تمبر دادخواست در دادگاه بهخش دهشاهی و شهرستان یگریال و هزینه حکم در تمام مراحل ثلاثه تومانی ۳ دینار گردیده که تماماً بدادخواست الصاق تمبر و محکوم علیه پرداخت و علت تعبیر ماده ۷۸۳ قانون ذی الحجه ۱۳۲۹ این بود که بعد از صدور حکم محکوم له از الصاق تمبر و پرداخت بقیه هزینه دادرسی خودداری نموده و ۳/۴ هزینه دادرسی لاوصول میماند.

اجرای قوانین فوق به اقتباس از قوانین کشورهای اروپائی (که قضاوت هزینه دارد) بوده و در مقام توجیه جهت گفته شده « چون بالاخره محکوم علیه نهائی باید هزینه دادرسی را بپردازد » تمام مراحل بپردازد.

چه ضرورت دارد ۱/۴ از دادخواست دهنده و ۳/۴ از محکوم له خواسته شود در صورتیکه بالاخره هزینه حکم را طبق نصاب ۳٪ باید محکوم علیه بپردازد و تازه وصول نشود. از این جهت طبق قانون ودایع و تسریع محاکمات مقرر شده علاوه از هزینه دادخواست نیز هر سه حکم بدادخواست الصاق تمبر شود البته اجرای این ترتیب یک فایده دیگری هم داشت زیرا :

ممکن بود کسی دعوی بلاجهتی بردیگری اقامه کند. که در مرحله بدوی و پژوهشی محکوم به بی حقی شود البته خوانده که حاکم شد ۳/۴ را نمیپردازد

خواهان که بلاجهت دعوی اقامه کرده مسئولیت پرداخت هزینه حکم را ندارد لذا گفته شد «هزینه حکم بدادخواست الصاق تمبر شود اگر دادخواست دهنده محکوم له شد که دادگاه ضمن حکم راجع به اصل او را پرداخت هزینه دادرسی مراحل که هزینه داده و محکوم شده چیزی نباید بدهد یعنی قبلاً گرفته شده و نسبت به هزینه فرجاسی هم طبق ماده ۴ مقرر شد دادگاه پژوهشی حکم خسارت مرحله فرجاسی را بسود کسی که حاکم شده صادر خواهد نمود.

بنابراین اعم از اینکه حکم نقض و ابرام شود، از محکوم علیه نهائی صدی ۶ خسارت گرفته میشود اگر پژوهشخواه و فرجامخواه خودش نبوده که صدی ۵ آن را داده و فقط ۱٪ مرحله بدوی گرفته میشود.

اگر پژوهشخواه و فرجامخواه طرفش بوده البته برابر ماده ۴ دادگاه پژوهشی حکم خسارت را میدهد. ولی با توجه به جدول و تعرفه هزینه فقط صدی ۶٪ طبق قانون اخیر و صدی ۳٪ طبق مقررات قبلی با فرض که ۵ دفعه پرونده در دیوانعالی کشور مطرح شود دیگر هزینه حکم یک دوایستم میباشد و درحقیقت همین تومانی یکشاهی هم که فرجامخواه دوم میدهد. پول زیادی است که معلوم نیست در صورت حاکمیت دادگاه استان حکم به پرداخت بدهد یا خیر.

برای اینکه ممکن است در نتیجه اشتباه مرحله پژوهشی یکدعوی چند دفعه در دیوانعالی کشور طرح و نقض شود.

محکوم علیه اعم از خواهان بی حق یا خوانده محکوم که مشمول پرداخت خسارت اشتباه محاکم نیست که ۵ دفعه از قرار ۳٪ خسارت دادرسی مرحله فرجاسی را بدهد.

ضمناً بنا به اصول و تعرفه هائی که قانونگذاران حقوقی تدوین نموده در مقاله بعد نقل خواهیم نمود و بر طبق مقررات اولین قانون اصول محاکمات حقوقی حداکثر (مالیات و عوارض) که محکوم علیه نهائی باید بپردازد تومانی یکریال عشریه و ۳/۴- ۱ دینار است و ۳/۴ هزینه حکم در تمام مراحل را باید محکوم له بپردازد بدون اینکه حق مطالبه داشته باشد.

حالی که هزینه دو برابر شده، میشود ۱۶/۱۰۰ یعنی تومانی سی و دوشاهی و نه فقط از هیچیک از مواد ۶۸۲ و ۶۸۳ و بند د ماده ۶۸۳ اجازه داده نشده است که غیر از یکدفعه ۳٪ هزینه فرجام گرفته شود. بالعکس بند د

ماده ۶۸۳ و تأیید آن در قانون ازدیاد هزینه اضافه بریک صدم منع شده است اگر در بند د ماده ۶۸۳ واژه هزینه حکم نوشته شده برای آنست که در خود ماده ۶۸۳ هزینه های بدوی و پژوهشی فرجاسی را (هر سه حکم نوشته و باز برای رفع هرگونه تفسیر نارسا در ماده ۶۸۶ تصریح کرده) هزینه حکم در موقع دادن دادخواست باید داده شود) یعنی اگر دادخواست فرجاسی دفعه اول است (هزینه قضاوت دیوانعالی کشور ۳٪)

و هرگاه مرتبه دوم و مابعد است یک دویستم

فرضاً قوانین شماره شده فوق نبوده و اصلاً ماده ۶۸۶ هم نبود. باز گرفتن سه دفعه ۳٪ در یک دعوی، مخالف صریح مواد ۶۸۲ و ۶۸۳ است بعد از تشکیلات جدید وضع قانون مواعد و ودایع دیگر الصاق تمبر به حکم منسوخ گردیده بهیچ حکمی هزینه دادرسی الصاق تمبر نمیشود و هزینه حکم بدادخواست الصاق تمبر میشود.

یا باید بگوئیم - بند د ماده ۶۸۳ زائد و برخلاف مواد ۶۸۲ و بند الف وب وح ماده ۶۸۳ باید چند دفعه صدی ۳٪ گرفت که مخالف مواد مزبور ماده ۶۸۳ است بعلاوه هرگاه بند د ماده ۶۸۳ زائد بوده پس چگونه با اضافه شدن هزینه مجدداً بند د از یک چهارصدم به یک دویستم ترقی کرد.

هرگاه اصلاح اخیر را نیز زائد بدانیم در اینصورت پس اخذ یک دویستم نیز مورد ندارد برای اینکه هزینه حکم این پرونده یک دفعه گرفته شده و اخذ مجدد مخالف تعرفه اولیه قانون گذاران است نکته دیگری که شایان توجه است، اینکه اساساً بعضی کشورها برای داد گستری هزینه ندارند و همین مقدار هم که در بادی امر مقرر شد با هزار الحمد بوده تا چه رسد باینکه ۶٪ گردیده.

ممکن است خوانندگان محترم با وجود اشاره دو سابقه فوق بنده را مورد انتقاد قرار داده و بگویند (چون معما حل شود آسان شود) حالیه با وجود سوابق مزبور چه ضرورتی داشته که زحمت اینهمه مطالعہ را تحمل کنی. البته این انتقاد بمورد است ولی باید باطلاع برساند:

که اولاً: سابقه پرونده ۳۴۳۵/۸ مربوط به خود اینجانب و حتی قبل از اصلاح قانون و ازدیاد هزینه بود.

ثانیاً با فرض که سابقه مزبور مربوط به خود اینجانب نبود ، باز با احترام اجرای قانون و رعایت وقت دیوانعالی کشور باین مطالعه و تهیه این مقاله مبادرت شد ، چه برابر قانون مرجع رسیدگی به تمام دعاوی فرجامی دیوانعالی کشور بوده ولی مرجع تقدیم دادخواست و جریان تبادل لوایح دفاتر دادگاههای شهرستان و استان و حتی دادگاه بخش کشور بوده و نیز مرجع اعتراض به قرار رد دادخواست فرجامی دیوانعالی کشور است و چه بسا عده بواسطه بی اطلاعی از قانون هزینه زایده داده و یادادخواست آنها ردشود در هر دو صورت به زیان کشور و تضییع وقت دیوانعالی کشور است . که زیان آن را ضمن مقاله بعد با تعرفه و جدول هزینه دادگستری تهیه و تقدیم خواهم داشت .

